



A T I Y E H N O

فیلم هفته



گلاره رنجبر

روزنامه نگار

«شیدا»



«فهاد» رزمنده جوانی است که در حادثه جنگی از ناحیه هر دو چشم دچار آسیب شدید شده و به بیمارستانی صحرایی منتقل می‌شود. در این بیمارستان دختری جوان به نام «شیدا» پرستاری او را برعهده دارد. شیدا به توصیه یکی از هم‌زمان و رفقای فهاد که از قضا در همان بیمارستان تحت مراقبت و درمان است، برای فهاد قرآن می‌خواند تا با خواندن قرآن دردش را تسکین بدهد. تلاوت زیبای قرآن، صدای معصومانه شیدا و توجهی که به فهاد می‌کند، او را دلداه پرستاری می‌کند که تاکنون صورتش را هم ندیده است.

این خلاصه داستان فیلمی است که «کمال تبریزی» در سال ۱۳۷۷ بابازی پارسا پیروزفر و لیلا حاتمی ساخت؛ فیلمی که در هفدهمین دوره جشنواره فیلم فجر شرکت کرد و در سه رشته چهره‌پردازی، طراحی صحنه و نقش اول زن نامزد شد که البته به مرحله دریافت جوایز و سیمرغ‌ها نرسید.

تبریزی با ربتیمی آرام و بدون تنش داستان زندگی فهاد را روایت می‌کند. بیش از هر موضوع دیگری این نکته به چشم می‌آید که انتخاب سرباز بودن برای فهاد برای او پرهیز از هرگونه پیشداوری در مورد کسی است که اهل جبهه و جنگ بوده، اما عاشق می‌شود. فهاد پسر خانواده‌ای متمول است که بر خلاف میل پدر و مادر به خدمت سربازی و سرانجام به جبهه می‌رود. فیلمنامه و سپس کارگردانی به گونه‌ای است که رویدادها و شخصیت‌های فرعی بتوانند به پیشبرد داستان فهاد کمک کنند.

نکته جالب توجه فیلم «شیدا» پرداخت جذاب و موشکافانه کمال تبریزی به شخصیت «پرستار» است. در کنار روایتی عاشقانه که دلدادگی پسر رزمنده‌ای به پرستارش را به تصویر می‌کشد، تبریزی تلاش کرده نگاهی نکته‌بینانه و خلاقانه به «پرستاری» داشته باشد. نمایشی از صبوریه، فداکاری‌ها، ایثارها و مفاهیم مهمی که شخصیت پرستار فیلم شیدا را آنگونه که باید در ذهن مخاطب خلق می‌کند. موضوع مهمتری که می‌توان به آن اشاره کرد، پرداختن به پرستارانی است که به صورت داوطلبانه در دوران جنگ تحمیلی به کمک رزمنده‌های مجروح رفته و نقش پررنگی در رزم خوردن تاریخ هشت سال دفاع مقدس ایفا کرده‌اند. فیلم سینمایی «شیدا» یکی از ماندگارترین تصاویر از یک پرستار در سینمای ایران را با چهره لیلا حاتمی تداعی می‌کند. حاتمی با نقش آفرینی عالی خود در نقش یک پرستار صبور و مهربان در آسایشگاه مجروحان جنگی ظاهر شده تا فیلم «شیدا» را به یکی از جذاب‌ترین و ماندگارترین روایت‌های سینمای ایران تبدیل کند؛ اثری ماندگار که ماهیت اصلی آن حول محور یک «پرستار» می‌شود.

۱۶

دوربرگردان

«

توانگیزه پررنگ منی

نقاشی‌ات که به دستم رسید، قلم منشوری نورانی شد از بغض و لبخند از اینکه آنقدر قد کشیده‌ای و آنقدر بزرگ شدی که به این زیبایی برآیم نقاشی می‌کنی و به دستم می‌رسانی تا خوشحالم کنی، ذوق می‌کنم چه خوب است که مادرت را درک می‌کنی که می‌دانی همانقدر که باید کنار تو باشم، از تو مراقبت کنم، حافظ سلامتی‌ات باشم، درد و ناله‌های به وقت بیماری‌ات را به جان بخرم، در برابر تمام بیماری‌هایی که به من پناه می‌آورند، مسئولم ممنونم که برایم نوشتنی دنیا با قلب مهربانم جای بهتری شده و برای من چه لذتی است بالاتر از اینکه در پایان تمام خستگی‌هایم، تمام شب بیداری‌هایم، تمام دلهره‌ها و با بیماری‌ها و ناله‌ها و دردها، دست‌وپنجه نرم کردن‌هایم، به خانه‌ای پا می‌گذارم که تو، فرزند قدرشناس و مهربانم پشت در آن انتظارم را می‌کنی... توانگیزه پررنگ منی برای تاب آوردن تمام دشواری‌های حرفه‌ای که با عشق آن را برگزیده‌ام.

تاریخ

قلب‌های سفید پوش



هر کدام از مادر طول زندگی خود روزها و ساعتی را با پرستاران سپری کرده‌ایم؛ حال یا به واسطه بیماری خودمان و یا بیمار شدن دوستان، آشنایان و اقوام. همیشه هم لازم نبوده برای روبه‌رو شدن با یک پرستار پای‌مان به بیمارستان و مراکز درمانی باز شده باشد؛ گاهی پرستاران خانگی را ملاقات کردیم که دلسوزانه پرستاری از سالمندان دور و اطراف‌مان را برعهده داشتند و یا از کودکان دل‌بندمان نگهداری کردند. همین برخوردهای گهگاه با جامعه پرستاران قطعاً این موضوع را برای‌مان روشن ساخته که برای پرستار بودن، نیاز به داشتن روحیه‌ای قوی و مهربانی وافر است که بتواند شرایط دشوار و چالش‌های گوناگون این شغل را سهل کند. همه ما خوب می‌دانیم داشتن سلامتی برای حفظ بقا و زندگی عاری از دردهای جسمانی مستلزم مراقبت کردن از جسم‌مان است. حرفه «پرستاری» نیز از دل همین امر حیاتی زندگی برآمده است. پرستاران هم در تقویم ایرانی و هم در تقویم جهانی روزی به نام خود دارند؛ روزی برای قدردانی از قدم‌هایی که این قشر در راستای کمک به بیماران برمی‌دارند. در تقویم ایرانی، روز پرستار، پنجم جمادی‌الاولی و مصادف با سالروز ولادت حضرت زینب (س) است؛ خواهر امام حسین (ع) که پس از واقعه تاریخی عاشورا، پرستاری از بازماندگان واقعه را برعهده گرفت و دلسوزانه از آنها نگهداری کرد. در تقویم جهانی روز پرستار، ۱۲ می و سالروز تولد «فلورانس نایتینگل»، بنیانگذار مکتبی با عنوان «پرستاری نوین» است. او در طول جنگ کریمه، ترتیبی داد تا از سربازان و مجروحان جنگی به طرز سازمان‌یافته مراقبت و پرستاری شود. روز پرستار در تقویم جهانی از سال ۱۹۷۴ گرمی داشته می‌شود.



نوبین

رگ‌یاب هوشمند!

با پیشرفت فناوری و تولد فناوری‌های نوین، بسیاری از مشاغل به ابزار و وسایل هوشمند متفاوتی مجهز شده‌اند که به بهتر انجام شدن وظایف آن‌ها در شغل‌های مختلف کمک می‌کند. حرفه «پرستاری» نیز از این قاعده مستثنی نبوده و نیست. در سال‌های اخیر، اختراعات بسیاری در حوزه مراقبت‌های پزشکی و سلامتی صورت گرفت که در نهایت به ظهور ابزار جدید در دست پرستاران و پزشکان انجامید. یکی از این ابزارها یا در اصطلاح گجت‌هایی که در کار پرستاری مورد استفاده قرار گرفت و کار را برای پرستاران کمی ساده کرد «رگ‌یاب هوشمند» بود. بدون شک، پرستاران کهنه کار و باتجربه در پیدا کردن رگ مریض‌ها ماهر هستند، اما اگر رگ‌های مریض به هر دلیل (چاقی، افت فشار شدید و...) به راحتی پیدا نشود، دردسرهایی برای پرستاران دارد که می‌تواند در تسریع اقدامات آنها وقفه ایجاد کند. فرد بیمار به سبب تحمل سوزن‌های متعدد به قصد یافتن رگ، کلافه شده و ممکن است با واکنش‌های ناخودآگاه کار را برای پرستار سخت‌تر کند. دستگاه «رگ‌یاب هوشمند» با نام انگلیسی (vineviewer) «راه‌حلی جادویی برای مشکلات بیماران و پرستاران پیدا کرده است. این دستگاه با تابش نور لیزر بر سطح پوست بیمار، سالم‌ترین و در دسترس‌ترین رگ‌ها را مشخص کرده و کار رگ‌گیری را برای پرستاران تسهیل می‌کند. عمق نمایش رگ‌های زیرپوستی بین ۱۰ تا ۱۵ میلی‌متر است. مطالعات نشان داده این دستگاه خطاهای رگ‌گیری را تا ۷۰ درصد کاهش می‌دهد. قیمت پایه این دستگاه ۲۸۰ دلار است.



از میان آمار ۵۰ میلیون نفری مبتلایان به زوال عقل در سراسر جهان، کشور سوئد با ۱۴۰ هزار بیمار مبتلا به زوال عقل در رتبه‌های بالا قرار دارد؛ کشوری که در حال حاضر سالمندان بسیار زیادی دارد. در این میان، آمارها نشان می‌دهد افراد مبتلا به زوال عقل در این کشور نیز اغلب در گروه سنی ۶۰ تا ۹۰ سال قرار دارند. خانواده‌های سوئدی تا چند سال قبل علاقه‌مند بودند که بیماران خود را در خانه نگهداری کنند، اما در سال‌های اخیر استفاده از مراکز نگهداری سالمندان و بیماران طرفداران بیشتری پیدا کرده و حدود ۸۰ درصد سالمندانی که به بیماری‌های عقلی مانند آلزایمر و بیماری‌هایی مشابه آن مبتلا هستند، نه در خانه بلکه در مراکز نگهداری سالمندان تحت درمان و نگهداری هستند. افزایش این آمار موجب شده به موازات آن، نیاز به پرستاران در این مراکز افزایش یابد. بیماران مبتلا به زوال عقل معمولاً در بیان درست درد یا مشکل مواجه هستند. با توجه به آزمایشات صورت گرفته، مشخص شد که مسکن‌های مرفین‌دار در این گروه از بیماران نسبت به دیگر سالمندان اثرگذاری کمتری دارد. همین امر کار پرستارانی که وظیفه رسیدگی به این بیماران را دارد، بسیار دشوار کرده و آنها را با چالش‌های متعددی مواجه کند. اخیراً آمارهای دارویی در سوئد جای خود را به متدهای روانی داده است، به طوری که پرستاران این مراکز به صورت فشرده تحت آموزش‌های روان در مان‌گرانه قرار می‌گیرند و به جای بهره بردن از داروهای شیمیایی و مرفین‌ها برای کاهش درد، از راهکارهایی روان درمانی بهره می‌برند.

گیتی

پرستاری به سبک سوئدی!

انتهای راهرو

● **پدیدآورنده:** احمد مهرابی
● **ناشر:** مؤسسه آموزشی تألیفی ارشدان بحران کرونا در تاریخ بشر فراموش نخواهد شد و تاریخ در مورد عملکردهای جوامع و اقشار مختلف در آن روزهای ویژه قضاوت خواهد کرد. با توجه به ممنوعیت بهداشتی ورود به بخش کرونا برای عموم، حال و هوای بیماران بستری و تنها مانده و نیز تلاش‌ها و شرایط پرسنل بخش کرونا که همه‌کاره بیماران کرونایی بستری محسوب می‌شدند، برای جامعه می‌توانست جذاب باشد. در طول مدت بحران کرونا تقدیر و تحسین زیادی از کادر درمان صورت گرفت، اما به صورت شفاف باید پرسید لیاقت تحسین برای کدامین عملکرد کادر درمان حقیقتاً می‌تواند مصداق داشته باشد؟ کتاب «انتهای راهرو» نوشته احمد مهرابی است و مؤسسه آموزشی تألیفی ارشدان آن را منتشر کرده است. انتهای راهرو روایت خاطرات ۱۰ پرستار داوطلب بخش کروناست که توسط احمد مهرابی نوشته شده است. این کتاب حال و هوای پرستاران و بیماران بخش کرونا و مسائل مرتبط به آنها در داخل و خارج از بخش را روایت



از متن کتاب

از اتاق بیمار به وسعت دیدی که پنجره شرقی در اختیارم می‌گذاشت، تنهایی‌ام را نظاره می‌کردم. یکی از پرسنل صدایم کرد. انگار یخ زده بودم و حس‌وحال برگشتن به ایستگاه پرستاری و کار را هم نداشتم. روی میله پرچم آموزشگاه مجاور بیمارستان، پرچم سه رنگی باد می‌خورد یعنی یک ایران برایم دست تکان می‌داد و با هر تکان غمی از دلم می‌زدود. از شدت شوق تمام تنم می‌سوخت.

معرفی کتاب

کارهای کوچک اما بزرگ

دوست دارد. مشکل روث پدر سفیدپوست و نژادپرست او است که او را مجبور می‌کند رودروی پدرش قرار گیرد. او در طول رسیدگی به حقوق خود با یک وکیل زن سفیدپوست به اسم «کندی» آشنایی می‌کند که این آشنایی نقطه عطف داستان و سراز تحولاتی در شخصیت سه کاراکتر اصلی داستان یعنی روث، پدرش و کندی است. داستان از سه زاویه دید روایت می‌شود و در هر فصل یکی از شخصیت‌ها یک اتفاق واحد را از دید خود تعریف و بررسی می‌کنند. داستان «کارهای کوچک اما بزرگ» مانند داستان‌های دیگر جودی پیکولت از ویژگی‌های بصری منحصربه‌فردی برخوردار است و همین ویژگی باعث شد تا کارگردان آمریکایی، «نیک کاساوتیس» در سال ۲۰۰۹ فیلمی از روی این رمان با نام «گهبان خوارم» بسازد.

از متن کتاب:

اگر جورجین جهان به شکلی بود که تودرون آن جای نمی‌گرفت چه؟ و تنها راه برای بقا، ناقص کردن خودت، بریدن گوشه‌ها، صیقل دادن و اصلاح خودت برای جا شدن بود؟ چرا هنوز موفق نشده‌ایم که به جای این کار، جورجین را تغییر دهیم؟



● **پدیدآورنده:** جودی پیکولت
● **ترجمه:** محسن جادب
● **ناشر:** انتشارات ملی
«کارهای کوچک اما بزرگ» نوشته «جودی پیکولت» داستانی درباره زندگی زن پرستار چهل و چند ساله سیاهپوستی است که مورد بی‌مهری نژادپرستانه قرار می‌گیرد. این کتاب نخستین بار در سال ۲۰۱۶ وارد بازار نشر شد. در حال حاضر بیشتر آثار پیکولت در آمریکا پرفروش هستند، گاهی حتی آثاری از او که بیش از یک دهه از نگارش‌شان می‌گذرد هم در صدر جدول پرفروش‌ها قرار می‌گیرند و می‌توان جودی پیکولت را از نویسندگان پر مخاطب عصر حاضر دانست. آثار پیکولت به بیش از ۳۰ زبان زنده در کشورهای مختلف دنیا از جمله ایران ترجمه شده و مورد استقبال قرار گرفته‌اند. اما ماجرای «کارهای کوچک اما بزرگ» پیکولت چیست؟ «روث» یک پرستار چهل و چند ساله است که در بخش زنان و زایمان یک بیمارستان کار می‌کند. او یک پرستار حرفه‌ای است و کارش را